

نویسندگان

(وابسته به حزب توده ایران)

سال چهارم، شماره ۶۹، شهریورماه ۱۳۵۷

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم قهرمان ایران به همه مبارزان دلیر راه استقلال و آزادی

هم میهنان، مبارزان

کمیته مرکزی حزب توده ایران به نام همه مبارزان توده‌ای که بیش از همه در سخت‌ترین شرایط علیه رژیم جنایت‌پیشه و خائن شاه مبارزه کرده‌اند، این پیروزی بزرگ تاریخی را به همه شما، به کارگران، و به ما پیروزمندان شوروی، به روحانیون مبارز ملی، به روشنفکران، به پیشروان راه استقلال و آزادی، به نیروهای مسلح خلق، به وادعی انقلابی شوروی هوائی، به معاهدین هراسی، خلق، به گروه‌های مسلح توده‌ای و چریک‌های فدایی خلق از همه قلب‌تادباش می‌گویم. افتخار جاویدان به مردم ایران که با مبارزه انقلابی کم نظیر خود، این پیروزی بزرگ تاریخی را که مفصل در بخش‌های دیگر تاریخ انقلاب خلق‌های محروم سراسر جهان بازگفته است، به دست آوردند. ما مبارزان توده‌ای مانند همه مردم، امروز سراسر از غروریم که به چنین مردمی تعلق داریم و کسی این پیروزی هنوز مرحله اول تحقق قطعی و نهایی است و باید این پیروزی را با زنگت نا پذیر کرد. دشمن، این مبارزه را خورده، هنوز بسیار غرینا گمته با بدان را سرکوب کرده تا تمام هشیاری آماده در هم شکستن تلاش‌های ضدحزبانانه آتیه‌ها و بود.

حزب توده ایران پیام شادباش خود را به همه میهنی و هر جنبش انقلاب ملی و دمکراتیک ایران و اکا کلا تاشد می‌کنند که مردم را به هوشیاری و آمادگی دعوت نموده است تا در صورت توطئه، مسجد مزدوران شاه و امپریالیسم و گمراختن‌گاران فریخته ارتش با تمام نیروهای رادیکال خود آنچه امروز اهمیت درجه اول دارد، حفظ آن اتحاد و یگانگی است که در میدان‌های مبارزه خون‌مبارزان وابسته به جریان‌های گوناگون سیاسی ایران مهر خورده است. شما با حفظ این اتحاد انقلابی، تنها با بیداری و هوشیاری، تنها با سازماندهی همه جانبه، همه نیروهای مسلح خلقی توان راه را بر سر ستوده‌های غاشقانه امپریالیسم و خودفریختگان سگ‌درویش را بطمس عداوت برای تعلق و ظالمی حضرت آیت‌الله خمینی در برابر دولت موقت مملکت و انقلابی قرار داده و با تمام کمال همه خواست‌های مردم ایران است، فراموش کرد.

افتخار جاویدان به مردم قهرمان ایران!
دراختزاز با دهرجم پیروزی انقلاب ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۲ شهریور ۱۳۵۷

پیام

سرداران نامی حزب ما

گرامی و با دفاطره شهیدانی که با نام آزادی بر زبان و آرزوی سعادت خلق بر دل جان باغختند. درودنی گران به خلق مبارز و قهرمان که در یکی از تیره ترین و تنگترین و سخت‌ترین ادوار تاریخ ما فطرتی شکوهمند را آغازند. آیت‌الله خمینی و دیگر رهبران ارجمند روحانیست مرفی میهن ما. درود فراوان به کارگران مبارز، دهقانان و سایر رزمندگان و روشنفکران انقلابی که در سنگر همگین علیه استبداد امپریالیسم نقش به شایسته مؤثر و تعیین کننده ایفا نمودند. درود بر همه سازمان‌های مترقی و مبارز که در آمریکا و سایر آزادی خلق میهنان شرکتیست کردند.

هم میهنان! ما در لحظات خاص از تاریخ انقلاب خود هستیم، دشمن در کمین قفلت‌های ما، تفاق ما، عدم درک مسئولیت در قبال انقلاب و اهداف آن را ظرف مبارزان شسته است. شمار ما در این لحظات سرنوشت ساز هشیاری و اتحاد همه نیروهای آزادی طلب میهنان است. مبارزانیستیم که دست آمده انقلاب را به خلق مبارزان نوبت می‌گوییم و همچنان در صف فترده خلق مبارز با احساس مسئولیت تمام و هرگز موقعیت انقلاب گام بر نمی‌دارد. ما با هر آنچه که و شکیه پیروزی انقلاب و عقیم گذاردن هر نوع توطئه علیه خلق و ارمان‌های ملتزم ایجاد می‌خواهیم و از همه نیروهای انقلابی و مبارز خلق می‌خواهیم.

۹ رزمنده توده‌ای

گزارش‌هایی که تا کنون از گردان‌های رزمی حزب توده ایران به ما رسیده، حاکی است که ۹ تن از اعضا و مسئولان حزبی در آخرین روزهای پیروزی مسلحانه انقلاب در میدان‌های نبرد به شهادت رسیده‌اند. شهدای توده‌ای که در شرف به دوش باران رزمی و مردم مبارز آخرین روزهای رزمی پیوسته خود را رفته‌هاش را فسخ کردند، با خون پاک خود یکبار دیگر حقانیت آرمان‌ها و صداقت انقلابی خویش را در مرصه عمل به ایستادگی رساندند و به مف‌ظولانی سرخی که شهدای حزب توده‌ای ما به طول ۱۳۴۱ سال پیگار بی‌امان و پراشکنجه و رنج‌خوار به وجود آورده‌اند، پیوسته‌اند. حال حاضر در مرگ‌گان که چون زندگینشان پراز عشق و مصیبت مردمی بود...

رفیق شهید محمد جانجان‌نیا، دبیر ستدیای کارگران با فتنه، موزنی، در نبردهای خونین میدان آرگ تهران به خاک افتاد. او که فعلا در سنگر نیروهای انقلاب در جاده دولت‌نشین بود، و از جمله در حمله انقلابی به کلانتری ۶ نیز شرکت داشته هنگام نجات یک رزمنده، مجروح، هدف گلوله قرار گرفت. در مراسم که هفته گذشته در قبا با این کارگر شهید در محل ستدیای صف‌با فتنه، موزنی برپا کردند، یکی از کارگران شناسنامه داده و غرور انگیز محمد جانجان‌نیا را با این کلمات تصویر کرد: "او در ابتدای فعالیت‌های سیاسی، به امر ستدیای شهیدان، دبیر شور و تاشد بر مبارزات چریکی و فعالیت‌های سیاسی بود. تنها سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۴۹ که کتاب‌های ما ساخته، علمی آثار حزب توده ایران به دستش رسید و دانش شوربیک خود را افزایش داد."

قهرمان شهید توده‌ای دبیر سازمان از دروازه حزب ما گذشت و ره‌بای‌های شریف بولتار با ایران پیوسته.

یکی دیگر از دوستان و یاران نزدیک "محمد" در مراسم یادبود قهرمان توده‌ای که با شرکت مدعا کارگر با فتنه، موزنی برگزار شد، طرخی از اندیشه‌های او بدست داد. کارگر کشف گفت:

از من می‌پرسند محمد به چه جریان سیاسی تعلق داشت؟ فقط یک جمله از او می‌گویم همیشه میگفت: "حزب توده مثل چشمه میماند همه به آن حمله می‌کنند، روشنفکران خرده بورژوا، ارتجاع داخلی، بی‌غیران سوسیالیزم گان مزدور، امپریالیسم... و لیا پیروشم همچنان زنده است و می‌پوشد همه این‌ها را و موج‌های گمراه‌کننده می‌شود... برانجام همه به حقانیت آن اعتراض خواهد کرد... او همیشه از روشنفکرانی که با سلاح تهمت و ناسزا به جنگ منطق و حقیقت می‌روند انتقاد میکرد و تا کبده داشت که طبقه کارگر به این‌ها روشنفکران احتیاجی ندارد. محمد جانجان‌نیا به هنگام شهادت ۱۳۴۲ لاله داشت

دوست‌گرهای انقلاب شهید شدند

"آزادخوان گذشت ولیکن ترانه‌اش
گلمی‌کننده‌ها منه، کوه‌ها به‌ها ..."

در گوته دیگری از میدان نبردهای مسلحانه غلغان، خون یک دانشجوی مبارز توده‌ای، سرود آزادی را بر خاک نشاند؛ رفیق خورشید مقصدی (دانشجوی سال پنجم دانشکده فنی دانشکده تبریز) آتش دیگری بود در زمانه ما که جان خود را در شهادت و قلب اهریمن و طغیان شاهانه گرفت. این پیام دوست‌گرهای توده‌ای یک شهید را در لاله آگاهی بر ملامت کند:

توجه! موفته‌ایم اینک باید کار سراسیم، یک روز هر کلمه‌ای که می‌مویسم به دیگران می‌مویسم به برادران و ترانه‌ها گلوله بود و امروز هر گلوله بر من می‌تراز هزارها را کلمه است. رفیق خورشید مقصدی راه حزب توده ایران را راه رستگاری نهایی خویندگان حقیقت میدانست و در این سنگر بود که تمام ذرات هستی بر نعمت و متسکرت خود را نشان کرد تا از این بدر خون و شرافت، گلهای میوه‌های فردا ببارد...

نادر عبدالمناف (دانشجوی دانشکده تبریز) مدتی طولانی نبود که به یکی از شاخه‌های سازمان "نویس" پیوسته بود. گفته بود، گفته بود، شما برانجام میمادگاه خویش را در وجود حزب توده حزب طبقه کارگر ایران که شایع از خون و رنج و شهادت برپیشانی بلند و غمناک آن میدرخشد، یافته بود. این صدای اوست، صدای شهیدی که از مرگ قوی تر است:

کارگران و بازمه کارگران، آنها با او در اند که راه ما به حق است، بی‌شک از این چه می‌خواهیم؟

در نظرگاه "نادر" همه چیز در بولتار با بود و بولتار با همه چیز بود. جهان در چشم او با کار آغاز می‌شد و با کارگر، مفهوم خود را به دست می‌آورد. او چه چیز گران‌بها تر از جان داشت تا بر سر این سودا فدا کند؟

۶ تن دیگر از شهدای توده‌ای در پیوسته، جنگ‌های سیه‌گین تهران به خون سپیدند. این ۶ توده‌ای سمحتور به یک واحد حزبی تعلق داشتند و از آنجا که به افتخاری قانون اساسی مبارزه، زهر زخمی در شرایط اغتشاش‌گفتند، تنها آبی می‌مستعار از آنها فعلا در دسترس است، تا روشن شدن مشخصات و توده‌های زندگینما و چگونگی نبرد قهرمانانه این سربازان سرخ سنگر حقیقت و عدالت، به بادی از آنها افشا می‌کنیم - با این نخبه‌های توده‌ای راه مقدس آنها را در کار و پیگار، در صف به مردم و کینه‌زخم دروغین و خاک‌کنش در شاره‌های اما زواران لحظه‌ای از یاد نبریم. "مردگانی هستند که به تمامی از این جهان شمرودند..."

پیام به مردم قهرمان و شکست‌ناپذیر ایران

توطئه‌های تازه‌تری است. هوشیاران، افسی زخم خورده خطرناک تر است. اتحاد ما در این لحظه، دوران ساز آن چشمه‌ها، اصانه‌ای است که تن و تار و پود را روشن می‌کند. برای آنکه انقلاب پیروز شود، آن راه به پیش برانیم. با یک دست تفنگ‌ها میان راننده داریم، و آستین دست دیگر برای آفرین، برای شغ زدن، برای به گردش در آوردن چرخ‌ها، برای نواری و برانسانه‌های میهن استبداد زده و استعمار دیده، مان با لایزیم. ما با دست مسلحان ته‌مانده، نظم تکلیت و سلطنت و اختناق و امپریالیسم را از میهن خود بر می‌کنیم. تا به آزادی برگ همه میراث‌های مسموم رژیم سر نهاده و سربردگی و جبار باشد! ای کارکنان، دهان‌ها و آرزوهای ما را عقیده‌ها شکوفه دهند. ما اردیگر به یکباره‌های بی‌شع خلق، به جهاد انقلابی آیت‌الله خمینی، به جمهوری دمکراتیک اسلامی درودی فرستیم و همه توان خود را برای با زوری و پشت‌نوا رمان‌های مترقی این جهان و جمهوری به کاری گیریم.

پیروز با دمبارزه مسلحانه مردم قهرمان و شکست‌ناپذیر ایران!
بوقر با دمبارزه مسلحانه نیروهای ملی و دمکراتیک ایران!
زنده با جمهوری دمکراتیک ایران!

سازمان "نویس"، وابسته به حزب توده ایران
۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۷

ما را دیدگر از این فرصت بزرگ استفاده می‌کنیم و پیشیانی خود را از دولت موقت ملی به منظور تحقق برنام‌های اعلام شده ملی و دمکراتیک به رهبری آقای مهدی بازرگان اعلام می‌داریم.

ملی غاوری، عباس جری، معصعلی عسویسی، رفائیلونگی، تنگی منش، اسماعیل ذوالقدر، ابوشراب با فرزاده

